

بسم الله الرحمن الرحيم

جوهره نبوت توحیدی

محمد اقبال لاهوری یکی از پایه گذاران اسلام اجتهادی و از احیاء گران اسلامی در صد ساله اخیر میگوید: اگر پیامبر (محمد «ص») صوفی بود و یا یک صوفی بجای او میبود، از معراج باز نمی گشت!، اما چون ایشان پیامبر بود از معراجی که حد اعلائی معنویت و سیر الی الله بود بازگشت! (نقل به مضمون). و این بازگشت ناشی از این واقعیت است که جوهره و روح نبوت در رسالت اجتماعی آنست، و هیچ پیامبری، بنابر ذات و ماهیت پیامبری، نمیتواند از عمل اجتماعی و از امور و مشاغل جامعه بشری و از اهتمام به هدایت و تربیت انسانها شانه خالی کند. اما همانطور که جوهره و روح نبوت در رسالت اجتماعی آنست، جوهره و روح صوفیگری و کمال مطلوب صوفیان هم در عزلت و کناره گیری و عدم توجه به اجتماع و عدم اهتمام به امور و مشکلات آنست. به عبارت دیگر، صوفی (بنابر طبیعت صوفی گری) در فکر ارضاء و کامیابی خویش و حد اکثر در پی آرامش خویش است، و این کمال مطلوب را تنها در دوری و کناره گیری از اجتماع!! دست یافتنی می داند. اگر خوب دقت کنیم روشن است که اصلاً سرچشمه این کمال مطلوب در خود خواهی و شخصگیری و عدم احساس مسئولیت در برابر اجتماع است، که سرانجامش هم به خودپرستی منتهی میشود. و چون سرنوشت فرد از سرنوشت جامعه جدا ناپذیر است، سرنوشت شوم و سیاه جامعه، دامنگیر افراد و احاد آن نیز خواهد شد، و اگر کسانی هم بتوانند از شخصگیری و عدم مسئولیت اجتماعی و عدم توجه به فعالیت اجتماعی بهره مند شوند، باز بدون اینکه توجه و احساس مسئولیت کنند، از حاصل کار و فعالیت اجتماعی گذشتگان و مبارزان ما قبل آنها و زمینه هایی که با فعالیت قبلی ایجاد شده بهره می برند، بدون اینکه خودشان حتی در فکر آینده فرزندان خود باشند!!، و فرزندانشان اسیر عواقب بی مسئولیتی و شخصگیری و بیخیالی پدران غیر مسئول خود میشوند.

باید دانست که هر چیزی جوهره و روحی دارد، که بعضاً بدرست منعکس میشود، و بعضاً به غلط و برخلاف واقعیت آنچه که منسوب بدان است معروف میگردد،

که جوهره و روح آن چیز نیست و برایش جعل شده است . مکتب اسلام یکی از این قربانیانی است که بدخواهان و اهل شرک و نفاق تلاش زیادی کرده‌اند که جوهره و ماهیتی جعلی برایش درست کنند ، ولی در این مقصد شوم توفیقی اساسی که ماندگار باشد حاصل نکردند . و این اصل اساسی و انکارناپذیر قرآنی، همهٔ دسایس و تلاشهای بدخواهان آنها را بی نتیجه کرده ، و آن اینست که : اصلاً خود قرآن حاصل یک مبارزهٔ کامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی در طول نبوت ۲۳ سالهٔ محمد «ص» است ، مبارزه ای که کاملاً پیروز و موفق شده و تجربه ای عظیم برای امت اسلام گشته است . و چیزی که شاید از همهٔ اینها مهمتر باشد اینست که حاصل این مبارزه یعنی افکار و عقاید این فعالیت سیاسی، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و کلاً در آیات قرآن منعکس شده است! ، قرآنی که نزد همهٔ مسلمین مقدس و اساس مسلمانی است و در دست مسلمین می‌باشد، و همهٔ مسلمین و غیر مسلمین بدان دسترسی دارند و آن را درک و فهم میکنند ، و منکر این واقعیات ، جزو مسلمین حساب نمی‌شود . بدین صورت تا مسلمین صاحب قرآن هستند ، امکان غیر اجتماعی و غیر سیاسی کردن مسلمین امکان پذیر نمی‌باشد ، زیرا یک مسلمان از قرآن کریم جدا ناپذیر است . تنها راه منزوی سازی مسلمین ، جداسازی آنها از قرآن است ، و آنها هم دو راه دارد : یا باید آنها را از قرآن بی خبر و بی اطلاع گرداند و یا باید آنها را مرتد و از اسلام برگرداند (بوسایل و طرق استبدادی و استعماری . اینست که گلا دیستون وزیر استعمار بریتانیا در جملاتی تاریخی در این رابطه گفته است : تا قرآن در میان مسلمین و در صحنه باشد ، امکان پیروزی بر آنها ممکن نیست!! ، جملاتی که حاصل تجربیات استعمارگری دولت انگلیس در کشورها و جوامع اسلامی بوده است . دورهٔ چند قرنهٔ استعماری هم بخوبی نشان می‌دهد که استعمار و استبداد تا توانسته اند جوامع اسلامی را از قرآن و از ادبیات و تعالیم قرآن دور و بیگانه کرده اند ، تا جایی که امروزه اکثریت مسلمین حتی روخوانی قرآن را هم نمی دانند!! ، و استعمار و استبداد در پی آنند که اصلاً خط و حروفی را نیز که میتواند نزدیکی و آشنایی به قرآن را در پی آورد و شناخت آن را میسر سازد از میان بردارند!!!

هر کسی اندک آشنایی به قرآن داشته باشد بخوبی میداند که قرآن برای ایجاد یک جامعهٔ اسلامی و حکومت اسلامی و اقتصاد اسلامی و فرهنگ اسلامی و خانوادهٔ اسلامی و تربیت اسلامی و آموزش اسلامی و بهداشت اسلامی (طبیات و خبائث) و حلال و حرام اسلامی و امر و نهی اسلامی و خلاصه برای یک نظام

همه جانبه و فراگیر اسلامی نازل شده است. و اصلاً قرآن امر و نهی غیر الهی را و اطاعت از غیر الله را و حکم و قانون من دون الله را کلاً نفی و رد میکند، که این همان توحید اُلوهیّت و توحید در عبادت و اطاعت است.

نکته ای دیگر که بسیار اساسی است و منحصر به دیدگاه قرآن است اینست که قرآن جهان بینی و هستی شناسی ویژه ای را ارائه میدهد که مبنی بر وحدت دنیا و آخرت است. بدین معنا که هم دنیا و زندگی این جهانی، خدایی و معنوی است و هم زندگی جهان آخرت، مادی و دارای پایه های زندگی این جهانی است. بر این اساس، انسان مسلم دارای فرهنگ و تربیتی است که ماده و معنویت را ترکیب میکند و در سایه آن یک بینش و زندگی توحیدی ایجاد میشود که منحصر به قرآن و اسلام است. اینست که بشریت مسلمان و جامعه اسلامی، در عین حال که بینش توحیدی بر کل زندگی و همه جوانب زندگی شان حاکم است، دارای زندگی مادی و دنیایی هستند و در سایه آیات قرآن از نعمتهای این دنیا که بنابر تصریحات آیات قرآن برای بشریت و برای استفاده مناسب و معقول از طرف الله رب العالمین خلق شده اند، بهره میگیرند، لذت می برند، و آنها را در راستای رشد و تکامل خود و برای کسب رضایت الهی استخدام می نمایند.

همچنین قرآن در رابطه با خلقت و ماهیت نوع بشر و عوامل و اسباب ظهور و سقوط تمدنها با ادبیات و زبان و دلایل ویژه خود سخن میگوید و به سبکی ویژه آنها را ارائه میدهد و مسلمین را موظف به اخذ و شناخت و تطبیق آنها میکند. و قرآن همه این علوم طبیعی، زیست شناسی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و تربیتی و را برای آموزش مسلمین و تجهیز آنها برای ایجاد و برپایی مجتمع اسلامی و حکومت و اقتصاد و فرهنگ اسلامی و اخلاق اسلامی و نازل کرده است. و ایجاد امت واحده اسلامی که در سایه اصول قرآنی، از جمله در لوای عقیده توحیدی، و اخوت اسلامی میسر میشود، هدف اساسی و جوهره رسالت و فلسفه نزول آیات قرآن است.

با استقرار نظام توحیدی، زمینه رشد و تکامل در همه ابعاد مختلف جامعه اسلامی فراهم میگردد، و استقرار عدالت همه جانبه و موعود قرآنی، از ثمره های نظام توحیدی است. با رسیدن بدینجاست که رضایت الهی کسب میشود و مؤمنین از طرف الله پاداش داده میشوند. پاداش این دنیا نعمتهایی است که در سایه جامعه توحیدی اعم از آزادی، امنیت، اخوت، عدالت، نظام سیاسی قرآنی، رشد و شکوفایی اقتصادی، فرهنگ و اخلاق اسلامی، قضاوت و دادگری سالم و اسلامی، زمینه های رشد و تکامل فردی و اجتماعی، سلامت نظام اداری و امکان مبارزه

با تبعیضات و مفسد و رشوه خواری و نصیب مؤمنین میشود . و پاداش آخرت هم جنّات النّعیمی است که رب العالمین به مؤمنان وعده داده و ثمره اجرای آیات قرآن و تحقق نظام توحیدی و استقرار جامعه اسلامی و عدالت اسلامی و برخوردار شدن از رضایت الهی است ، پاداشی که در قرآن تنها از آن مثال زده شده و جهت نزدیک کردن به درک و فهم بشری آن را به برخی از مظاهر و نعمات لذتبخش و مطلوب و زیبا و ملموس در زندگی تشبیه کرده است ، اما به فرموده قرآن نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی آنها را شنیده و نه دلی بدانها خطور کرده است ، مثالهایی که متأسفانه ، به غلط ، عین جنّات النّعیم فرض شده و بصورت انحرافی به جامعه اسلامی تفهیم شده اند ، و مانند بسیاری از آیات دیگر قرآن از آنها سوء استفاده شده است .

با استناد به چند آیه قرآنی ، جوهره و روح نبوت توحیدی را بیشتر می شکافیم : قرآن کریم که وحی الله بر بشریت است ، به صراحت و در آیات مختلف ، جوهره و روح نبوت را و فلسفه رسالت را و علت نبوت را اعلام و تبیین میکند و مسئله را از تفکر و استنتاج و استدلال بی نیاز میسازد . و ما در اینجا به ارائه چند آیه و ذکر نکاتی از آنها اکتفا و بسنده می کنیم :

قرآن کریم در سوره نحل آیه ۳۶ چنین میفرماید : *وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ* : « به تحقیق در هر امت و جامعه ای رسولی را برانگیختیم ، تا اینکه از الله اطاعت و پیروی کنند و از طاغوت (مصادر و مراجع غیر توحیدی) دوری جویند . پس بعضی از آنها راه هدایت و صراط مستقیم توحید در پیش گرفتند و بعضی دیگر گمراه و سرگردان شدند . بر این اساس در زمین سیر و تحقیق کنید تا بنگرید که مکذبین و انکار کنندگان انبیاء چه سرنوشت شومی پیدا کردند » .

در سور و آیات دیگر از جمله در سوره حدید آیه ۲۵ ، قرآن کریم جوهره و روح نبوت را مشخص تر و ملموس تر میکند و نتیجه اطاعت از الله و توحید الوهیت (توحید اطاعت) را به بشریت اعلام میدارد : *لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ* : « به تحقیق رسولان خود را با دلایل روشنگر و تبیین کننده ارسال کردیم ، و همراه آنان کتاب و میزان (کتاب و اصول وقواعد مشخص و معین نازل کردیم ، تا در سایه آنها و بوسیله آنها ، مردم برای عدالت قیام کنند و عدالت را مستقر نمایند » .

بعد از این آیه عظیم و نجاتبخش که عبارت است از برپایی عدالت همه جانبه ، که آن هم در سایه رشد و تکامل در صراط مستقیم توحیدی حاصل میشود و هدف اساسی نبوت است ، قرآن کریم در آیات و سوره دیگر ، به الگوسازی و نمونه سازی می پردازد ، تا هرچه واضحتر مقاصد نجات دهنده خود را ملموس تر ، مجسم تر ، و مفهوم تر گرداند و عدالت توحیدی را عملاً نشان دهد . چیزی که نیازمند وجود جامعه و امتی توحیدی است ، تا الگوسازی قرآنی واقعیت پیدا کند و در صحنه اجتماع ظاهر شود . بدون وجود چنین جامعه و امتی ، آیات قرآنی در اینجا نیز عقیم میشوند و به طرحهای نظری مبدل میگردند . آیه ۱۴۳ (سوره بقره) نمونه آنهاست . آنجا که میفرماید : وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا : « اینچنین شما را امت و جامعه ای نمونه و پیشتاز قرار دادیم تا شاهدان و الگوهایی برای بشریت باشید و رسول خدا نیز شاهد و الگوی شما باشد » .

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۱۰ نتیجه الگوسازی توحیدی را و ضرورت وجود آن را به گونه ای خیلی خلاصه و فصیح اینگونه به بشریت می رساند : كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ : « شما مسلمین ، بهترین امت و جامعه ای بودید که الله برای الگو و نمونه شدن برای بشر ظاهرتان ساخت . امر به معروف میکنید (آنچه خوبی آنها برای بشریت بلا شک و تردید است و مورد تأیید کتاب و میزان الله نیز هستند) و نهی از منکر مینمایید (آنچه به دلیل بد و مضر بودنشان مورد انکار بشریت و سنن رسولان و کتاب و میزان الله میباشد) و به الله رب العالمین ایمان دارید » .

و بالاخره زمانی که حاکمیت راهروان نبوت توحیدی فرا می رسد و مسلمین و موحدین زمام امور را بدست میگیرند ، زمینه اجرای اهداف و مقاصد نبوت توحیدی فراهم می گردد و پیروان نبوت توحیدی موظف به عملی کردن و جامعه عمل پوشاندن اهداف و مقاصد الله رب العالمین در بعثت انبیاء می شوند ، تا در سایه آن ، رضایت الهی حاصل شود ، و در دنیا و آخرت ، دروازه های برکات و جنات الهی بر وارد شدگان به صراط مستقیم توحیدی باز و گشوده شوند . قرآن کریم در این رابطه در سوره نساء آیه ۵۸ می فرماید : إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ : « به تأکید الله به شما امر میکند که امانتها را (آنچه به شما سپرده شده ، اعم از مادی و معنوی) به

صاحبانشان برگردانید و زمانی که بین مردم حکم و قضاوت کردید بر اساس عدالت و بر پایه کتاب و میزان الله و بیّنات رسولش حکم و قضاوت کنید .

و قرآن کریم خطاب به همه مسلمین و پیروان نبوت توحیدی چنین میفرماید :
يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين باقسط شهداء لله ولو على أنفسكم أو الوالدين و الأقربین ان یکن غنیاً أو فقیراً: « ای کسانیکه به توحید ایمان آورده اید، برپادارنده و حافظان « عدالت » باشید و نمونه هایی برای عدالت توحیدی ، چه در رابطه با نفس خودتان ، چه در رابطه با پدر و مادرتان ، چه در رابطه با خویشان و نزدیکانتان، چه در رابطه با اغنیاء (غناء عام) و چه در رابطه با فقراء (فقر عام) .

این آیه مبین وظیفه مؤمنین ، برپایی عدالت توحیدی، احقاق حق ، و انکار و نفی تبعیض و ستمکاری و پایه رابطه فرد و اجتماع در مجتمع توحیدی است ، و در این عرصه ، باید مؤمنین و موحدین به وظیفه اساسی خود که همانا برقراری « عدالت توحیدی » است عمل نمایند .

بدین صورت مراحل و خلاصه جوهره نبوت توحیدی چنین میشود :

نبوت توحیدی < رسالت اجتماعی و هدایت جامعه > ایجاد
امت و نظام توحیدی < تحقق مفاهیم و مقاصد آیات قرآن .

موسی عمران (علی تشارکی)
رهبر سازمان موحدین آزادیخواه ایران
۶ محرم ۱۴۲۳ - ۲۹ اسفند ۱۳۸۰